

رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن*

- دکتر شهرام ابراهیمی^۱
- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

چکیده

بیشتر مردم در پاسخ به این پرسش که «چه برداشتی از پیشگیری دارند؟» بیان می‌دارند که این مفهوم، آنچنان از وضوح برخوردار است که حتی نیاز به تحقیق برای یافتن تعریف از آن احساس نمی‌شود. اغلب نیز پیشگیری را مفهوم مقابل سرکوبی می‌دانند. با وجود این، وقتی ادبیات قابل توجه مربوط به پیشگیری را بررسی می‌کنیم، به سرعت ملاحظه می‌کنیم که مفهوم «پیشگیری» چندان هم روشن و آشکار نمی‌باشد. در واقع به تعداد نویسندگانی که در پی تعریف این مفهوم برآمده‌اند، تعریف وجود دارد. اگر از تفاوت‌های فرعی بگذریم و تفاوت‌های اساسی را ملاک قرار دهیم، می‌توان در نوشته‌های اختصاص یافته به پیشگیری از بزهدار، دو جهت‌گیری کلی را ملاحظه کرد: رویکرد موسع که «هر اقدامی» در زمینه مبارزه با بزهداری، حتی پاسخهای



شیراز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۱۲.

کیفری (ضمانت اجراهای کیفری) و جبران خسارت از بزه‌دیدگان را پیشگیرانه محسوب می‌کند. در رویکرد مضیق، پیشگیری عبارت است از شیوه‌هایی غیر قهرآمیز که دولت جهت مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصتهای مناسب ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، به کار می‌گیرد. در این مقاله به بررسی این دو رویکرد می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، مفهوم پیشگیری، رویکرد موسع، رویکرد مضیق.

درآمد

در واژگان جامعه معاصر، برخی کلمات وجود دارند که سرشار از محتوای ایدئولوژیک و احساسی و عاطفی می‌باشند. آزادی، برابری، همبستگی، عدالت و... یا عباراتی از قبیل کرامت انسانی، حقوق بشر از این دسته می‌باشند.

امتیاز استعمال این کلمات این است که دارای چنان پویایی هستند که حتی ممکن است در شرایطی، موجب تحریک و شورش عده‌ای گردد. اما ایراد این دست عبارات، به ابهام آنها باز می‌گردد. عبارت پیشگیری از بزهکاری نیز از این ایراد مصون نمی‌باشد. هر ساله مؤسسه‌های جدیدی با عنوان و موضوع پیشگیری از جرم تأسیس می‌شود و هزینه‌های زیادی صرف اقدامات پیشگیرانه می‌شود، لیکن محدوده کار تعیین نمی‌گردد. به عنوان مثال، شورای اروپا به منظور مبارزه مؤثر با اشکال مختلف جرایم و افزایش حمایت از شهروندان در اروپا و تسهیل همکاری بین دولتها در این زمینه، برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ سه سند جدید به تصویب رساند. میزان بودجه خاص برنامه «پیشگیری، آماده‌سازی و مدیریت» به ۱۴۰ میلیون یورو رسید. یک برنامه خاص نیز با عنوان «پیشگیری و مبارزه با بزهکاری» که هدف آن تضمین آزادی و امنیت شهروندان و حمایت از جامعه در برابر فعالیتهای مجرمانه، بویژه جرایم سازمان‌یافته فراملی، با بودجه ششصد میلیون یورو، به تصویب رسید.^۱

همچنین امروزه کنشگران فعال در این حوزه، مردم را نسبت به پیشگیری از جرم حساس می‌کنند، فعالیتهای ورزشی و تفریحی سازماندهی می‌کنند، برای جوانان

1. A. J. Pénal, N 3, 2007, Mars 2007.

برنامه‌های ویدئویی اجرا می‌کنند، اما ارتباط بین این اعمال با عوامل بزهکاری، آشکار و مسلم نیست. از طرف دیگر، در اتخاذ یک تدبیر یا انجام یک اقدام پیشگیرانه، به داده‌های مربوط به ارزیابی نتایج آن، کمتر توجه می‌شود. هر کس بر اساس بینش و دریافت خود اقدام می‌کند و به شناخت و دانش خود از آن موضوع تکیه می‌کند. در کشور ما نیز به نام پیشگیری از جرم، انجمنهای جوانان و ستادهای مختلفی ایجاد شده است.^۱

همچنین طرحهای متعددی تحت پوشش پیشگیری، تأمین بودجه می‌شود، در صورتی که هیچ کدام ارتباط مستقیمی با بزهکاری ندارد (DI Marino, 1999: 3535). ابتکارات و برنامه‌های جدید در زمینه پیشگیری از جرم نیز، چند سالی است که به طور جدی افزایش یافته است. همزمان با این اقدامات، بر کنشگرانی که دارای مأموریت پیشگیری هستند نیز افزوده می‌شود. قراردادهای محلی امنیت نیز، در برخی از کشورها از جمله فرانسه، به طور جدی از اقدامات پیشگیرانه حمایت می‌کند. با اختصاص دهها میلیارد دلار، مشاغلی از قبیل میانجیگری در محله‌ها و اجتماعات محلی، دستیاران پیشگیری، کمک مربیان در مدارس و... با محوریت پیشگیری ایجاد شده است. مأموریت این نیروها، حضور در اماکن ناامن است. این عده با تکیه بر اطلاعات خود از آن محله‌ها و اماکن، نسبت به مراقبت بر آن موقعیتهای، کمک به مردم دارای مشکل و مداخله در دعاوی و اختلافات به عنوان میانجیگری اقدام می‌کنند. به عنوان مثال، مرکز ملی پیشگیری از جرم در کانادا در سال ۲۰۰۰، نزدیک به شش میلیون دلار برای ۱۳۴ طرح اختصاص داد. این نوع از اقدامها، عمدتاً ناظر به گروههایی است که مستعد ورود به دنیای بزهکاری می‌باشند، لذا آموزشهایی مانند مهارتهای اجتماعی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و نیز برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی، به آنها ارائه می‌شود (Cusson, 2002: 8).

طرحهای دیگری نیز در مورد ارتقای امنیت گروههای در معرض خشونت

۱. قوه قضائیه، به موجب آیین‌نامه‌ای، در بیست و سوم مهر ماه سال ۱۳۸۳، ستاد حفاظت اجتماعی را با هدف پیشگیری تأسیس کرد که البته در سال ۱۳۸۵، به ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی تغییر نام یافت (ر.ک: تعالی حقوق، ۱۳۸۶: ۴/۱۱).

مانند زنان و دانش‌آموزان می‌باشند.^۱ مثلاً زمانی که یک مربی به رشد اجتماعی و شخصی اطفال کمک می‌کند، آنها را در برابر وسوسه‌های بزهکاری مقاوم می‌کند (Borodin, 1977: 221). پلیس و نیروهای انتظامی نیز هنگامی که از اماکن عمومی مراقبت می‌کنند یا به بزه‌دیدگان، در زمینه شیوه‌های محافظت از خود در برابر تعرضات و پرخاشگری جدید مشاوره می‌دهند و یا از برخورد و کشمکشهایی که ممکن است ایجاد شود، می‌کاهند، به نوعی از بزهکاری پیشگیری می‌کنند. همچنان که شرکتهای امنیت خصوصی نیز از طریق مراقبت و نگهبانی و سازوکارهای کنترل ورودیها و هشداردهنده‌ها، در پیشگیری از جرم مشارکت می‌کنند (Tournyol, 2006: 48). در واقع پیشگیری از جرم، گاهی آگاهانه و گاهی به طور ناخودآگاه، در محیطهای متعددی از قبیل منزل، مدرسه، شرکت، توسط مرییان، واحدهای تأمین امنیت، ادارات و پلیس، اعمال و اجرا می‌شود.

به طور کلی شیفستگی کنونی به پیشگیری از جرم، به ناکارآمدی کیفر و سرکوبی و اقدامات قهرآمیز برمی‌گردد. اما برای اینکه یک اقدام دارای آثار پیشگیرانه باشد، صرف غیر قهرآمیز و تنبیهی بودن آن کفایت نمی‌کند.

همچنان که اکثر مردم نیز در پاسخ به این پرسش که «چه برداشتی از پیشگیری دارند؟» بیان می‌دارند که این مفهوم، آنچنان از وضوح برخوردار است که حتی نیاز به تحقیق برای یافتن تعریف از آن احساس نمی‌شود. اغلب نیز پیشگیری را مفهوم مقابل سرکوبی می‌دانند. با وجود این، وقتی ادبیات قابل توجه مربوط به پیشگیری را بررسی می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم که مفهوم «پیشگیری» چندان هم روشن و آشکار نمی‌باشد. اما سؤال اصلی این است که آیا این اقدامات متنوع پیشگیرانه است؟ آیا می‌توان بر آنها عنوان پیشگیری اطلاق کرد؟

بدین ترتیب، تدوین، اجرا و موفقیت تدابیر پیشگیرانه به تعریفی که از پیشگیری ارائه می‌دهیم، بستگی دارد. قبل از هر چیز، باید پیشگیری از جرم را تعریف و از آشفتگی معناشناسی در این زمینه که موجب گردیده است، به هر عملی مانند

1. Conseils aux personnes âgées pour une sécurité citoyenne, service de La communication du ministère de l'intérieur, janvier 2005. www.interieur.gouv.fr

برگزاری کارگاههای هنری و نمایشی، کمک به بزه‌دیدگان، آوازخوانی، برنامه‌های اوقات فراغت در تابستان، بازسازی منازل مسکونی و تشکیل انجمنهای جوانان عنوان «پیشگیری» اطلاق گردد، جلوگیری کنیم. اما پیش از تعریف، به بررسی تاریخی مفهوم پیشگیری می‌پردازیم.

بررسی تاریخی مفهوم پیشگیری که ابتدا در حوزه پزشکی ظاهر شد، یعنی از خاستگاه تا تحولات اخیر، کار دشواری است. تاریخ امور اجتماعی، به خوبی شاهد انتقال مفاهیم بهداشت و سلامت، به حوزه امور اجتماعی می‌باشد. بنابراین، مفهوم پیشگیری از مدل سلامت عمومی سازمان بهداشت جهانی یعنی پیشگیری اولیه (مانعت از ظهور و بروز بیماری)، دومین (شناخت و شناسایی اولین نشانه‌ها و مبارزه با آن) و سومین (مراقبت بر عواقب) الهام گرفته است. آثار این تقسیم‌بندی را در قوانین می‌توان یافت.

البته در اغلب زمانها، پیشگیری یک مبنای ایدئولوژیک داشته و قبل از هر چیز، ابعاد اقتصادی و نظامی آن مد نظر بوده است. مفهوم پیشگیری پس از آن، در قرن نوزدهم، جهت رسیدن به یک طرح انسانی و مبتنی بر رفاه اجتماعی، بعد و جنبه اجتماعی با رنگ و بوی اخلاقی به خود گرفت.

ریشه‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه را همانند جرم‌شناسی بالینی، که غایت آن پیشگیری از جرم است می‌توان در نخستین آثار جرم‌شناسی علمی مشاهده کرد (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸). انریکو فری، پس از بیان قانون اشباع جنایی و اعلام اینکه پیشگیری عمومی فاقد اثر می‌باشد، مجموعه‌ای از برنامه‌های پیشگیری که آنها را جایگزین کیفر یا هم‌ارزهای کیفر نامید، ارائه کرد. البته همه این مباحث که توسط انریکو فری ارائه شد، در حد یک پاراگراف بود. به عبارت دیگر فری یک نظریه عمومی در باب پیشگیری ارائه نکرد. اما از دهه ۱۹۳۰، همراه با مکتب شیکاگو، آرام آرام، وجود رشته جدیدی به نام جرم‌شناسی پیشگیرانه تأیید شد، به طوری که امروزه موضوع پیشگیری از جرم، باب روز و مرسوم شده است و ادبیات قابل توجهی در این زمینه وجود دارد و هر روز نیز بر تعداد کنگره‌ها و نشستهای پیشگیری از جرم در سطوح داخلی و بین‌المللی

افزوده می‌شود،^۱ هر چند هنوز همانند جرم‌شناسی بالینی نظام‌مند نشده است. بنابراین تحول مفهوم پیشگیری لاینفک از ارزشهای جامعه، تحول آن، جایگاهی که جامعه به فرد می‌دهد، یافته‌های علمی و به طور خاص جرم‌شناختی نمی‌باشد.^۲

۱. تعریف پیشگیری

تعریف پیشگیری از بزهکاری، که در چند سال اخیر عمده ادبیات جرم‌شناسی را به خود اختصاص داده است، نحوه اجرا و توسعه تدابیر آن، از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند (Jaily, 2003: 85). برخی آن را نوعی مداخله از طریق اتخاذ تدابیر برای جلوگیری یا کاهش خطرات ارتکاب یا کاهش نتایج احتمالی می‌دانند (Fourcaudot, 1991: 3). موريس کوسن، جرم‌شناس کانادایی، پیشگیری را چنین تعریف می‌کند: «اتخاذ تدابیر غیر کیفری، به منظور پیشگیری از تبدیل اندیشه مجرمانه به فعل، همراه با تغییر اوضاع و احوال خاصی که ممکن است در آن، جرم ارتکاب یابد» (Cusson, 2002: 3).^۳ بر اساس این تعریف، چنانچه بزهکار در محاسبه خود، میزان سود احتمالی را در مقایسه با تلاش و زحمت و نیز خطرات موجود، ضعیف بداند، از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد.

البته تعریف پیشگیری موضوع چندان آسانی هم نیست؛ زیرا غالب نویسندگان، به بررسی پیشگیری می‌پردازند، بدون آنکه از قبل، نسبت به تعریف و توجیه آن اقدام کنند. از سویی، اگر بخواهیم از متونی که به دنبال نقد و بررسی این موضوع بوده‌اند، استفاده کنیم، کار دشوارتر خواهد شد؛ زیرا این متون عموماً تعاریف بسیار متفاوتی از موضوع ارائه می‌دهند. هر چند که این یک مسئله قراردادی است. لذا در اینجا، ابتدا رویکردهای مختلف مربوط به پیشگیری در ادبیات جرم‌شناسی را ارائه می‌دهیم و در نهایت به تحلیل انتقادی آن می‌پردازیم.

۱. اولین همایش ملی پیشگیری از جرم در ایران در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اسفند ۱۳۸۷ با ابتکار دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا برگزار شد.

2. *La prévention: Concept, politique, pratiques en débat*, sous la direction de Brigitht Bouquel, L'Harmattan, 2005, p.12-15.

۳. این کتاب توسط صدیق بطحایی به زبان فارسی ترجمه و توسط انتشارات دادگستر منتشر شده است.

۲. بینشهای مختلف راجع به پیشگیری

در واقع به تعداد نویسندگانی که در پی تعریف این مفهوم برآمده‌اند، تعریف وجود دارد. اگر از تفاوت‌های فرعی بگذریم و تفاوت‌های اساسی را ملاک قرار دهیم، می‌توان در نوشته‌های اختصاص یافته به پیشگیری از بزهکاری، دو جهت‌گیری کلی را ملاحظه کرد: رویکرد موسع که «هر اقدامی» در زمینه مبارزه با بزهکاری، حتی پاسخهای کیفری (ضمانت اجراهای کیفری) و جبران خسارت از بزهدیدگان را پیشگیرانه محسوب می‌کند. در این رویکرد، در واقع فقط به نتیجه توجه می‌شود؛ یعنی هر روش، صرف نظر از محتوا، خواه کیفری، خواه غیر کیفری، که منجر به کاهش نرخ بزهکاری می‌شود (Cusson, 2007: 403).

به عبارت دیگر، اگر تدابیر اتخاذ شده فاقد اثر پیشگیرانه باشد، پیشگیرانه محسوب نخواهد شد.

۲-۱. رویکرد موسع (فراگیر)

بر اساس این بینش، هر آنچه در راستای مبارزه با بزهکاری به کار می‌رود، داخل در تعریف پیشگیری است. این نوع نگرش، ابتدا در اندیشه سیاست جنایی انریکو فری پدیدار شد. وی به آزادی اراده در ارتکاب عمل جنایی اعتقاد نداشت. به نظر وی، عوامل مختلف فردی و اجتماعی در این زمینه، نقش تعیین کننده دارد. فری از این بحث دو نتیجه می‌گرفت:

۱. «تدابیر دفاع فردی»^۱ که بر مبنای پیشگیری از تکرار و نه بر سزادهی استوار است، باید جایگزین کیفرهای کلاسیک گردد.

۲. پیشگیری عمومی را باید در تدابیر دفاع جمعی، جایگزینهای کیفر، یا هم‌ارزهای کیفر، که در جهت حذف یا کاهش عوامل اجتماعی بزهکاری طراحی شده است جستجو کرد و نه از طریق تهدید کیفر فاقد ارزش ارعابی.^۲ بنابراین مفهوم مورد نظر فری، یک مفهوم فراگیر و تمامیت‌خواه

1. Mesure de défense individuelle.

2. Ferri, E., *La sociologie criminelle*, p.313.

بوده است.^۱ زیرا نه فقط جایگزینهای کیفر، بلکه تدابیر فردی پیشگیری از تکرار را نیز در بر می‌گرفت.^۲

این بینش فراگیر و تمامیت‌خواه از پیشگیری، سپس در «جنبش دفاع اجتماعی» (Gramatica, 1955: 3) هم دنبال شد. همچنان که در نوشته‌های برخی از جرم‌شناسان معاصر (Szabo, 1984: 437 à 444) و نیز تشکیل شورای پیشگیری یا مراکز پیشگیری برخی از کشورها از جمله فرانسه^۳ از زمان اصلاح ساختار تشکیلات آن در سال ۱۹۹۸، به وضوح این نگرش، مشاهده می‌شود.

اخیراً نیز این رویکرد فراگیر را در گزارش ارزیابی از برنامه‌های پیشگیری آمریکای شمالی که در سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۲، به درخواست کنگره آمریکا، توسط شرمن و همکارانش در دانشگاه مریلند انجام شد، می‌توان مشاهده کرد. این نویسندگان، بر اساس این اندیشه که پیشگیری یک هدف است، معتقد بودند که هر وسیله و ابزاری که برای دستیابی به این هدف به کار گرفته شود، باید به عنوان یک ابزار پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارت دیگر اقدام پیشگیرانه، هر نوع اقدامی است که موجب

۱. گفتنی است، کتاب «جامعه‌شناسی جنایی» فری مشتمل بر جرم‌شناسی نظری و مجموعه انتقادهایی از حقوق موضوعه آن عصر و پیشنهادات اصلاحی بر مبنای این توضیحات (جرم‌شناسی کاربردی) است. فصل اول و دوم کتاب، به ترتیب به «انسان‌شناسی جنایی» و «آمار جنایی» اختصاص یافته است، حال آنکه فصل چهارم و آخر به اصلاحات عملی حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری پرداخته است. فصل سوم به مسئولیت کیفری به عنوان نقطه‌ای بین جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی کاربردی اختصاص یافته است.

۲. فری بزهدکاران را به پنج دسته تقسیم می‌کند و برای هر دسته سیاست جنایی خاص آنها را ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه، نسبت به بزهدکاران به عادت، خنثی‌سازی، نسبت به بزهدکاران اتفاقی، یعنی بخش عمده بزهدکاران، که به دلیل فشار زیاد شرایط اجتماعی نامناسب بر شخصیت و ساختار بیولوژیک و نیز به دلیل عدم پایداری و استقامت در مقابل یک وسوسه، مرتکب جرم شده‌اند، سیاست جنایی مبتنی بر باز اجتماعی کردن و نسبت به بزهدکاران احساسی، جبران خسارت از طرف آنها را پیشنهاد می‌کند. در نظر فری، جبرگرایی، برابر با تقدیرگرایی نیست و مجرم بالفطره تقدیراً محکوم به ارتکاب جرم نمی‌باشد؛ زیرا عوامل اجتماعی می‌تواند از آن جلوگیری کند. همچنین، سیاست جنایی پیشنهادی وی نسبت به مبتلایان به بیماریهای روانی، فردی کردن ضمانت اجراهای کیفری بر محور خنثی‌سازی است.

3. Commission des maires sur la sécurité (rapport Bonnemaison): *Face à la délinquance; prévention, répression, solidarité*, 1982.

کاهش میزان جرم در آینده گردد. نتیجه اینکه بر اساس نظر نویسندگان، ضمانت اجراهای کیفری و ابزارهای پیشگیری از تکرار جرم نیز داخل در تعریف پیشگیری می‌باشد. همچنان که تدوین کنندگان لایحه قانون پیشگیری از جرم در ایران نیز، ضمن اتخاذ همین بینش، با عدم تفکیک پیشگیری کیفری از پیشگیری غیر کیفری، موجب خلط پیشگیری از جرم و پیشگیری از تکرار جرم شده‌اند. اما علی‌رغم استقبال از این بینش، نمی‌توان از بررسی ایرادات و آثار آن چشم‌پوشی کرد.

الف) ایراد رویکرد موسع

چنین بینش موسعی دو ایراد دارد. اول اینکه مقوله پیشگیری و سرکوبی دو مقوله منفک و جدای از هم می‌باشند و هر کدام ویژگی و منطق خاص خود را دارد. ایراد دوم این است که برخی از مجازاتها، مثلاً مانند جریمه روزانه یا جزای نقدی لزوماً جنبه پیشگیرانه ندارد.

از سویی به دنبال افزایش جرایم خرد و نیز بی‌نزاکتی و افزایش احساس ناامنی (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۵۷-۲۷۶) و محدودیتهای مداخله صرف کیفری، برداشت و مفهوم موسع از پیشگیری، مورد استقبال عمده کشورها قرار گرفته است (Lemaitre, 2006: 209).

ب) رویکرد موسع و آثار آن

اصل هر امر پیشگیری است، معمولاً به دلیل ناتوانی در تعیین علمی علت بزهدکاری، منتخبی از اقدامات و شیوه‌ها را پیشگیری می‌داند که لزوماً نیز پیشگیرانه نیست. از این اصل، سه نتیجه به دست می‌آید: ۱- پیشگیری در مورد همه چیز، ۲- پیشگیری برای همه^۱، ۳- پیشگیری توسط همه^۲.

بحث «هر اقدامی پیشگیرانه است»، را به کرات می‌توان در گفتار دولتمردان و نیز مسئولان اجرایی مشاهده کرد. این دسته در اندیشه خود، مجموعه‌ای از اقدامات، مانند مبارزه با بی‌سوادی، مبارزه با اعتیاد، مبارزه با بدهکار شدن بیش از اندازه و ورشکستگی، اوقات فراغت جوانان، کمک به بزهدیدگان جرایم، توزیع لامپهای جیبی

1. La prévention pour tous.
2. La prévention par tous.

هشداردهنده بین سالمندان، کار عام المنفعه، میانجیگری و... را پیشگیرانه می دانند. یعنی هزینه کردن در امور اجتماعی - فرهنگی که بی تردید، در حوزه مسئولیت و اختیارات دیگر نهادها و وزارتخانه‌ها می باشد. در واقع با نام و زیر پوشش پیشگیری، هر کاری انجام می شود و بدتر آنکه برای هر کس نیز انجام می شود.

در این فرض، یعنی پیشگیری برای همه افراد، تمام اقشار و سطوح جامعه آماج تدابیر پیشگیری قرار می گیرند. به عنوان مثال شوراهای پیشگیری از جرم در فرانسه، این واقعیت را فراموش کرده اند که اقدامات آنها باید ناظر به اشخاص در معرض خطر باشد و نه کل جمعیت. یعنی مجموعه اقداماتی که این شوراها با هدف رضایت و خشنودی همه مردم و بدون اینکه با علل بزهکاری ارتباطی داشته باشد، انجام می دادند. مثلاً یکی از شوراهای پیشگیری از جرم در فرانسه از تأسیس یک باشگاه قهوه به خود می بالید. خانم کریستین لازرژ، در گزارش خود در مورد اشخاص یا جمعیت مخاطب قراردادهای پیشگیری در پنج شهر فرانسه، خاطرنشان ساخت که این اقدامها، متوجه اشخاصی بوده که هیچ مشکلی نداشتند. این انحراف از هدف واقعی، به حدی بود که دولت مجبور شد از طریق صدور یک بخش نامه به این قضیه عکس العمل نشان دهد. هرچند این بخش نامه نیز در عمل مفید واقع نشد (Lazerges, 1999).

پیشگیری توسط همه: اصولاً همکاری، یک قاعده اساسی در سیاست مبارزه با بزهکاری محسوب می شود. دولتها نیز به همکاریهای اجتماعی، اقتصادی و نیز حضور ساکنان اهمیت می دهند. یعنی عدم مشارکت این عده، تلاشهای دولت را نیز با شکست مواجه می کند (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). به عنوان نمونه، یک شبکه اروپایی پیشگیری از جرم در سال ۲۰۰۱ و تحت حمایت اتحادیه اروپا، با هدف تبادل اطلاعات در خصوص رویه‌های موفقیت آمیز در زمینه پیشگیری از بزهکاری، ایجاد گردید. محور برنامه‌های این شبکه عبارت بود از نشان دادن اینکه پیشگیری بر سازماندهی و نظام مند کردن همکاری بین کنشگران تأمین امنیت و پیشگیری، یعنی پلیس، سازمانهای بین‌المللی، بازار امنیت و شهروندان استوار است. البته این همکاری به افزایش بازدهی کمک می کند. مثلاً مردم می توانند اطلاعات مورد نیاز پلیس را در اختیار پلیس قرار دهند، وضعیتهای مشکوک را اطلاع دهند و یا در

مراقبت و نظارت شرکت کنند. در همین چارچوب، عده‌ای از متخصصان بر اهمیت پلیس محلی یا اجتماع مدار تأکید می کنند. بنابراین در اینجا با یک پلیس پیشگیرانه مواجه می‌باشیم. در نهایت اینکه برای تضمین همکاری بین نهادها و مشارکت کنندگان مختلف، تأسیس یک سیستم اطلاع‌رسانی و بانک اطلاعات ضروری است. این سیستم با تحقیقات پلیسی و غیر پلیسی تغذیه می‌شود. مثلاً کشورهای عضو فضای شنگن، به منظور برطرف کردن ناامنی احتمال ناشی از حذف کنترل در مرزهای داخلی فضای شنگن، سیستم اطلاعات شنگن را راه‌اندازی کرده‌اند.^۱ فرانسه در سال ۲۰۰۶، ۱۹۲۵ فرد خارجی را که توسط سایر کشورها اعلام شده بود، تحت کنترل گرفت (Olivier, 2005: 153). بنابراین همکاری جنبه‌های مختلفی دارد: راه‌اندازی سیستم اطلاعات جهت ارزیابی ماهیت و نیز جغرافیای بزهکاری، توزیع اطلاعات، شناسایی بهتر بزهکاران و در نهایت سازوکارهای هماهنگ جهت مبارزه با بزهکاری و تأمین امنیت. همچنان که این همکاری اجازه می‌دهد تا جامعه مدنی، فعالیت پلیس را بهتر کنترل کند؛ زیرا تا زمانی که پلیس به صورت مجزا فعالیت می‌کند، بیشتر مرتکب خطا می‌شود. ولی این بحث که در گفتار و نظریه به راحتی بیان می‌شود، در عمل با دشواریهایی مواجه است. در واقع، قبل از هر چیز، مشکلات از نوع جامعه‌شناختی بروز خواهد کرد. در این زمینه اختلاف بین دسته‌ای از کنشگران و نیروی پلیس از مشکلات اولیه است. مشکل دیگر به تشکیل جلسات شوراها و واحدهای پیشگیری از بزهکاری مربوط می‌شود. اعضای این شوراها در جلسات آن که معمولاً یک بار در سال تشکیل می‌شود منظم و آماده شرکت نمی‌کنند. از طرفی، فرمانداران، قضات، افسران پلیس و مدیران مدارس در اکثر جلسات شخصاً حاضر نمی‌شوند و جانشین یا قائم مقام خود را به جلسات می‌فرستند. استدلال آنها این است که این شوراها، به محل مناسبی برای تجدید دیدار تبدیل شده است. در واقع در عمل نیز این شوراها، با توجه به ترکیب آنها، کارایی چندانی ندارد (شیری، ۱۳۸۶: ۲۸).

1. Systeme d'information de Schengen (SIS).

۲-۲. رویکرد مضیق

این برداشت، غالباً در ادبیات جرم‌شناختی مشاهده می‌شود و البته همیشه با صراحت و روشنی لازم همراه نمی‌باشد. بر این اساس، پیشگیری عبارت است از شیوه‌هایی غیر قهرآمیز که دولت جهت مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصتهای مناسب ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، به کار می‌گیرد. در این رویکرد، فقط تدابیر قبل از ارتکاب جرم مورد توجه است (نجفی ابرنآبادی، در نوبت انتشار).

البته مفهوم محدود و مضیق پیشگیری لزوماً جنبه نظری ندارد. شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره ۷ R(83) کمیته وزیران به کشورهای عضو، «پیشگیری کیفری» را که بر کیفر، قطعی بودن و اجرای آن مبتنی است، از محدوده پیشگیری خارج ساخت. پر واضح است که برای شورای اروپا، پیشگیری تنها باید به عنوان یکی از ابزارهای سیاست جنایی تعریف و از سایر ابزارهای این سیاست، مانند کیفر با کارکردهای مختلفش، کمک به بزه‌دیدگان، باز اجتماعی کردن، کیفرزدایی، اصلاح بزهکاران، جایگزین کیفر مناسب آزادی و به طریق اولی مسئولیت مدنی تفکیک می‌شود (Tunc, 1974: 407).

بر این اساس، در این حوزه، ارعاب، سزادهی، باز اجتماعی کردن و یا ترمیم، غایت و محتوای مداخله اهمیت زیادی ندارد. به عبارتی به جای صحبت کردن از پیشگیری بهتر است از عبارت «مداخله مقدم»^۱ و «مداخله مؤخر»^۲ بر ارتکاب جرم صحبت کرد. از این تفکیک نتایج متعدد به دست می‌آید:

۱- بر اساس آنچه پیش از این گفتیم، پیشگیری از طریق تهدید کیفر یا ارعاب عمومی یا بازدارندگی، از دایره مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی پیشگیرانه خارج می‌شود. این موارد قطعاً به پیشگیری به معنای موسع مربوط می‌شود، اما گنجانیدن آن در جرم‌شناسی پیشگیرانه، خطر توجه اتهام عدم فهم این نوع از جرم‌شناسی را افزایش می‌دهد. در واقع جرم‌شناسی پیشگیرانه، دقیقاً جهت رفع و علاج ناکارآمدی

1. Intervention à priorie.
2. Intervention à posteriori.

فرضی یا واقعی-بازدارندگی کیفر ایجاد شد.

۲- از سویی، تدابیر فردی ناظر به جلوگیری از تکرار جرم که جنبه فردی داشتند و ما آن را به دلیل اجرای آن در بستر نظام کیفری، در چارچوب پیشگیری کیفری مطالعه می‌کنیم، اصولاً جزء جرم‌شناسی بالینی قلمداد می‌شود؛ زیرا این نوع پیشگیری از اصول، راهبردها و فنون کاملاً متفاوت و مختص به خود تبعیت می‌کند. ۳- تعریف پیش گفته، نظام جبران خسارت و کمک به بزه‌دیدگان جرایم را نیز از شمول و قلمرو خود خارج می‌کند؛ زیرا این اقدامات مربوط به پس از ارتکاب جرم بوده و دارای هدف ترمیمی است.

۴- در نهایت اینکه فرایند مدرن سیاست جنایی که تحت عناوین «جرم‌زدایی»، کیفرزدایی^۱ و قضازدایی^۲ مطرح شده است (ر.ک: رایجیان اصلی، ۱۳۸۱)، نیز از قلمرو جرم‌شناسی خارج می‌شود؛ زیرا دو مورد اول، به جرم‌شناسی سیاست جنایی مربوط است (نجفی ابرنآبادی، تقریرات) و مورد سوم که در ارتباط با میانجیگری، صلح و سازش و مصالحه می‌باشد، جزء جرم‌شناسی تکنیکهای کیفری و جرم‌شناسی کلینیکی است و بی‌تردید از حوزه پیشگیری خارج می‌باشد.

۳. تحلیل انتقادی مفهوم پیشگیری

پس از ارائه تعاریف مختلف از پیشگیری به تحلیل انتقادی از مفهوم پیشگیری می‌پردازیم. هدف از بحث تحلیل انتقادی، ارائه تعریفی است که دربردارنده حداکثر انسجام منطقی باشد. از بین مفاهیم ارائه‌شده، آن موردی که شانس موفقیت و اجرا و کاربردی کردن آن بیشتر باشد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. برای رسیدن به کارآمدی باید به مبنای احتمالی کارآمدی پیشگیری پردازیم. بدین صورت که می‌توان از طریق تدابیر و اقدامات معین، بر رفتار افراد تأثیر گذارد تا اقدامات مجرمانه ارتکاب نیابد. تحلیل این فرضیه سه نکته را روشن می‌سازد:

1. Décriminalisation.
2. Dépénalisation.
3. Déjudiciarisation.

۱- اینکه رفتارهای نامطلوبی به نام اعمال مجرمانه وجود دارد؛

۲- در بین کل جمعیت، عده خاصی گرایش و تمایل به ارتکاب جرم دارند؛

۳- امکان تغییر رفتار این دسته از طریق توسل به اقدامات خاص وجود دارد. حال سؤال دیگر این است که معیارهای این تدابیر یا اقدامهای خاص چه می‌تواند باشد؟ وجود (تحقق) همزمان چند شرط در اینجا ضروری به نظر می‌رسد:

۱. زمانی یک اقدام، پیشگیرانه است که هدف اصلی یا حداقل انحصاری آن، پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات باشد. به عبارت دیگر، متوجه عوامل یا فرایند بزهکاری باشد. مثلاً حضور پلیس می‌تواند در این فرایند اختلال ایجاد کند؛^۱

۲. این اقدامات بر خلاف تدابیر فردی، در صورتی پیشگیرانه است که دارای وصف جمعی باشد؛

۳. اقدامات مذکور در صورتی پیشگیرانه خواهد بود که ناظر به مرحله قبل از ارتکاب جرم باشد؛

۴. هدف صریح و مشخص این اقدامات باید کاهش بزهکاری باشد. تدابیری که هدف غایی آنها مساعدت به خانواده‌های کثیرالاولاد باشد، هرچند نتیجه ناخواسته یا غیر مستقیم آن، جلوگیری از تبدیل شدن فرزندان این عده به افراد بزهکار باشد، اقدامی پیشگیرانه محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر مقامات دولتی و کنشگران باید ضمن توجه به آثار پیشگیرانه آن، آگاهانه از آن برای همین هدف استفاده کنند و نه اینکه به پیشگیری به عنوان یکی از آثار جنبی آن بنگرند؛

۵. این اقدامات و تدابیر نمی‌تواند جنبه قهرآمیز و سرکوب‌گرانه داشته باشد. غیر قهرآمیز بودن یعنی اینکه برای اعمال این اقدامات رضایت ذی‌نفع الزامی است. بنابراین تمام تدابیر سرکوب‌گر مانند بازداشت، محکومیت و ضمانت اجراهای کیفری از قلمرو آن خارج می‌شود. در واقع اقداماتی از قبیل باز اجتماعی کردن زندانیان، هرچند در جهت جلوگیری از تکرار جرم اعمال می‌شود، لیکن به دلیل اینکه در اکثر اوقات در شرایط نسبتاً قهرآمیز اجرای مجازات اعمال می‌شود، از

1. *Le role de la police dans la prevention de la criminalité*, septieme colloque annuel du CIPC, OSLO, Norvège, 8 et 9 Novembre 2007.

قلمرو این تعریف خارج می‌شود. البته این به معنای رد اقدامات کیفری و قهرآمیز نمی‌باشد؛ زیرا تدابیر قهرآمیز نیز به طور اجتناب‌ناپذیر با پیشگیری ترکیب می‌شود؛^۱ ۶. تدابیر و اقدامات زمانی پیشگیرانه هستند که متوجه و ناظر به یکی از علل بزهکاری باشد.

در واقع، دو دسته بسیار متفاوت از علل را می‌توان از همدیگر تفکیک کرد؛ ابتدا عللی که برخی از اشخاص را مستعد یا آماده ورود به بزهکاری می‌کند و اصطلاحاً عوامل خطر نامیده می‌شود؛ دوم وضعیت و موقعیتهایی که افراد در آن مرتکب جرم می‌شوند. این دسته اخیر، تحت تأثیر اوضاع و احوالی قرار می‌گیرند که ارتکاب جرم را برای آنان، سودمند و کم‌خطر می‌سازد.

در حال حاضر، علی‌رغم توسعه بحثهای مربوط به مفاهیم و مبانی نظری این موضوع، هنوز هم اغلب به پیشگیری، به عنوان یک اقدام مبتنی بر شهود و الهام و تجربه شخصی، نگاه و کمتر از تحقیقات جرم‌شناختی استفاده می‌شود. با پیشرفت دانش و اطلاعات نباید به تجربه و الهام اکتفا کرد. اگر دغدغه کارآمدی وجود داشته باشد، باید از تحقیقات علمی، به منظور دست یافتن به تدابیری که شانس و احتمال موفقیت آنها بیشتر است، استفاده کرد.

۱. به عنوان مثال قانونگذار ما در سال ۱۳۸۵، در جهت تقویت تأثیر پیشگیری کیفری از جرایم اقتصادی، انتشار حکم را نیز به ضمانت اجرای کیفری سابق افزود، که به نوعی همان تشهیر فقهی می‌باشد. به موجب ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد محکومیت قطعی به ارتکاب جرم اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی، خلاصه متن حکم، شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالتنشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

همچنین مرجع تجدیدنظر، موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید. در صورت تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالاتر محکوم می‌شوند. البته انتشار حکم از منظر جرم‌شناسی، عاری از ایراد نیست؛ زیرا از یک سو موجب انگ‌زنی و برجسب‌زنی اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر زمینه بازگشت او به جامعه و بازپذیری اجتماعی او را شدیداً دچار مشکل می‌کند.

کتاب‌شناسی

۱. رایجیان اصلی، مهرداد، «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید مداخله حقوق جزا»، *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، شماره ۱۴۱، ۱۳۸۱ ش.
۲. رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرایند کیفری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، سال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۳. شیرینی، عباس، «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۶ ش.
۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس» (درآمدی بر پیش‌همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم)، *مجموعه مقالات پیش‌همایش ملی پیشگیری از جرم*، در نوبت انتشار.
۵. همو، *جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیکهای حقوق کیفری*، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم ۱۳۸۴-۸۳.
۶. همو، *کیفرشناسی نو، جرم‌شناسی نو، تازه‌های علوم جنایی*، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۷. نوروزی، نادر، «جرایم خرد علیه نظم عمومی، راهبردها و راهکارها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۸، ۱۳۸۴ ش.

8. Borodin, S. V., «L'action des organisations sociales dans la prévention de La délinquance», APC, n3, 1977.
9. Cusson, Maurice, «la prévention: les principes et la prévention policiere», in Maurice Cusson, (sous la direction), *traité de sécurité interieure*, éd HMMH, 2007.
10. Cusson, Maurice, *Prévenir la délinquance, les methods efficaces*, puf, 2002.
11. Di Marino, Gaëtan, «La nouvelle politique française de prevention de la criminalité urbain», la Semaine juridique, éd. G. n 46, 1999.
12. Fourcaudot, Martin et Provost, lionel, *prévention de la criminalité et relations communtaires*, mont Royal, modulo, Editeur, 1991.
13. Gramatica, E., «prévention et défense sociale», RIDS, 1955, no 1-2.
14. Jilly, T. «La prevention entre tradition et innovation, le cas allemande», RICP, 2003.
15. Lazerges, Christine, «méthodes utilisées par les organismes de prévention», rapport au 27e congrés de l'association de criminologie, Aix-en-provence, 1999.
16. Lemaitre, André, «sécurité, prévention et droits de l'homme», revue de la faculté de droit de l'université de liège, 2006/1-2.
17. Olivier, H., «La gouvernance de sécurité: un concept pour nouveau paradigme en criminologie?», in, RICPT, n 2, 2005.
18. Szabo, D., «prévention, concepts et strategie», RSC 1984, Rassat, M. op. cit.
19. Tournyol Du Clos, Lorraine, «Evolutions de l'offer de sécurité privée en france», RICPT, n1, 2006.
20. Tunc, A., «Resposabilité civile et dissuasion des comportements antisociaux», mélanges dédiés à Marc Ancel, 1974.

